

۱۲

رهایی از اعتیاد، استاد پرویز را به زندگی برگرداند و او را بانی

ترک باشما، کار

حسین برادران فرا در ابتدای گفت‌وگو در میان یک کارگاه پرس و صدا در محله در حالی که رویه رویم نشسته است، جمله ای جا می‌خورم: بیست ساله هستم! وقتی تعجبم رامی‌بیند، برای سؤال بعدی فرصت می‌دهد: این تاریخ تولد شناسنامه‌ای من نیست و است؛ یعنی بعد از کنار گذاشتن اعتیاد و بازگشتم به آغوش کسی که پیش روی ما به مصاحبه نشسته «استاد پرویز» از وسط کارگاهش تا محله‌های اطراف به همین لقب او که دوست ندارد نام فامیل و تصاویر واضحش در شود، حالا هم قهرمان زندگی خودش است و آدم‌های دیگر. استاد پرویز مردی است که در پی دست مردان پر شمار دیگری را گرفته است. بوده تا بر سطور روزهای اعتیاد، نقطه پایا و برسند اول خط زندگی.

باصبر راه‌پاکی رایا فتم

فکر و ذهنم شده بود مواد

پرویز جوان بعد از درگیری‌ها و مشکلات بسیاری که اعتیاد به مواد مخدر برایش ایجاد کرده بود، به فکر مهاجرت از شهر زادگاهش افتاد تا شاید به این وسیله از چنگال اعتیاد رهایی یابد. او می‌گوید: سال ۱۳۶۹ همراه خانواده به مشهد مهاجرت کردم و در بولوار شاهنامه ساکن شدم. کارگاه کوچک آهن‌فروشی و جوشکاری در محله راه‌انداختند و مشغول به کار شدم. در گوشه‌ای از کارگاه بساط مواد مخدر پهن کرده بودم. این کار را بدون هرگونه احتیاط و مخفی‌کاری انجام می‌دادم و بارها اخطار گرفته و تهدید به زندان رفتن شده بودم. کوچ به مشهد هم فایده‌ای برایم نداشت. باینکه فکر می‌کردم با دور شدن از محیط آلوده به مواد مخدر پاک می‌شوم و توبه خواهم کرد، این طور نشد و من همچنان یک معتاد بودم. با وجود این استاد پرویز اعتقاد راسخی داشت که آن معجزه الهی و رهایی از اعتیاد در باره او اتفاق خواهد افتاد و همین طور هم شد. او بایبان لطف الهی که شاملش شد، می‌گوید: یک‌روز که در کارگاه بودم، مأموران کلانتری به سراغم آمدند و من را با هفت گرم مواد مخدر دستگیر و روانه زندان وکیل‌آباد مشهد کردند. شانزده روز بلا تکلیف بودم تا حکم آزادی که ۲۱ روز طول کشید. تصمیم گرفتم که مواد مدت و تا زمان آزادی که ۲۱ روز طول کشید. تصمیم گرفتم که مواد مخدر را کنار بگذارم؛ چون در زندان هم با پول می‌توانستی مواد گیر بیاوری و بکشی. بعد از ۲۱ روز پاکی با پرداخت جریمه نقدی از زندان آزاد شدم. بعد از آزادی تصمیم گرفتم با ورزش و عبادت خودم را مشغول و از بازگشت دوباره به سمت اعتیاد جلوگیری کنم. او که از یک مسیر سخت برای رسیدن به پاکی عبور کرده بود تعریف می‌کند: در همین زمان که این تصمیم را گرفته و در حال عملی کردن ایده‌ام بودم. یکی از دوستانم به نام فرج که استاد بنایی بود، به دیدنم آمد. ۴۵ روز از ترک اعتیادش گذشته بود و وقتی اراده و تصمیمم را برای ترک اعتیاد شنید، خیلی خوشحال شد و من را با گروه مردمی

مثل خیلی از آدم‌هایی که پس از ترک اعتیاد حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، او هم پیرانرژی و با انگیزه سر صحبت را باز می‌کند. استاد پرویز تعریف می‌کند: خدا را شکر، سال هاست که از بیماری اعتیاد رها شده‌ام و بعد از گذشت نزدیک به بیست سال، حتی یک ماده محرکه و اعتیاد آور مصرف نکرده‌ام و پاک پاک هستم. الان به اندازه یک جوان بیست ساله انرژی و انگیزه برای زندگی و کار کردن دارم. نکته شایان توجه درباره آقا پرویز بیست ساله بعد از نجات از دام بیماری اعتیاد، همت بلند اوست که با حمایت‌های معنوی، شغلی و اعتباری خود، مسیر نجات تعداد زیادی از گرفتاران به اعتیاد را فراهم کرده است. استاد پرویز که اصالتی شیروانی دارد، حدود شصت سال سن دارد و بنا به گفته خودش باتوجه به اینکه افراد معتادی در محیط زندگی‌اش حضور داشته‌اند، از سنین نوجوانی گرفتار مواد مخدر شده است. آقا پرویز با یادآوری آن روزهای سخت می‌گوید: متأسفانه از سن کودکی بارها و بارها شاهد مصرف مواد مخدر توسط افراد بزرگ‌تر اطرافم بودم و در اثر همین مجاورت و استنشاق مواد مخدر به مرور زمان و بدون آنکه متوجه شوم، گرفتار اعتیاد شدم. به گفته استاد پرویز، گرفتار شدن او به مواد مخدر، آینده تحصیلی‌اش را تحت تأثیر قرار داد و از ادامه تحصیل بازماند. با گذشت سال‌ها اعتیاد در جسم و جان پرویز ریشه دواند و تا سال‌های جوانی ادامه پیدا کرد. او می‌گوید: همه ذهن و فکر مرا اعتیاد به مواد مخدر گرفته بود؛ به هیچ چیز دیگر فکر نمی‌کردم و فقط به دنبال پیدا کردن و کشیدن مواد بودم.

درک درد مشترک معتادان دیگر

استاد پرویز بر اساس آموزه‌هایی که در جلسات انجمن معتادان گمنام آموخته، بعد از ترک اعتیاد همه تلاش و همت خود را برای نجات دیگر معتادان به کار برده است. او با اشاره به داشتن درد و بیماری مشترکی که بین معتادان وجود دارد، می‌گوید: حتماً این جمله معروف که «باید به مصیبتی گرفتار شوی تا سختی آن را بفهمی، شنیده‌اید. بر همین اساس شما تا گرفتار اعتیاد، بدبختی‌ها و ترس‌های آن نشده باشید، درک درستی از اثرات مخرب این مواد بر ذهن و رفتار انسان پیدا نخواهید کرد. او تعریف می‌کند: آنجا بود که به مفهوم درد مشترک با معتادان رسیدم و اراده کردم همان طور که خودم را نجات داده‌ام، دیگران را نجات دهم.